

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تیمیه اعضای هیات داوران حاضر در جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

اعضای هیات داوران نسخه نهایی پایان آقای مجید آزادبخت تحت عنوان: بررسی شاخصه‌های تصویرسازی نماد گونه‌ی اشعار بیدل دهلوی - پروژه عملی: خلق اثر نگارگری با تکیه بر مضامین عارفانه به کار رفته در دیوان اشعار بیدل دهلوی را از نظر فرم و محتوی بررسی نموده و پذیرش آنرا برای تکمیل درجه کارشناسی ارشد تأیید می‌کنند.

امضاء	رتبه علمی	نام و نام خانوادگی	اعضای هیات داوران
	مربی	ایرج داداشی	۱- استاد راهنما (نظری)
	مربی	پرویز اسکندرپور خرمی	۲- استاد راهنما (عملی)
	استادیار	دکتر علی شیخ مهدی	۳- استاد ناظر
	استادیار	دکتر اصغر فهیمی فر	۴- استاد ناظر
	استادیار	دکتر نظام الدین نوری کوتنایی	۵- استاد ناظر
	استادیار	دکتر اصغر فهیمی فر	۶- نماینده تحصیلات تکمیلی

آیین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت

مدرس

مقدمه:

با عنایت به سیاست‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهش‌های علمی که تحت عناوین پایان‌نامه، رساله و طرح‌های تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده ۱- حق نشر و تکثیر پایان‌نامه/ رساله و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می باشد ولی حقوق معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تایید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجو مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان‌نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می باشد.

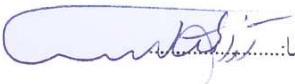
تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب، نرم افزار و یا آثار ویژه (اثری هنری مانند فیلم، عکس، نقاشی و نمایشنامه) حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آئین‌نامه های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این آیین‌نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۸۷/۴/۱ در شورای پژوهشی و در تاریخ ۸۷/۴/۲۳ در هیأت رئیسه دانشگاه به تایید رسید و در جلسه مورخ ۸۷/۷/۱۵ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.

«اینجانب مجید آزادبخت دانشجوی رشته هنر اسلامی (نگارگری) ورودی سال تحصیلی ۱۳۸۷ مقطع کارشناسی ارشد دانشکده هنر متعهد می شوم کلیه نکات مندرج در آئین نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش های علمی دانشگاه تربیت مدرس را در انتشار یافته های علمی مستخرج از پایان نامه تحصیلی خود رعایت نمایم. در صورت تخلف از مفاد آئین نامه فوق الاشعار به دانشگاه وکالت و نمایندگی می دهم که از طرف اینجانب نسبت به لغو امتیاز اختراع بنام بنده و یا هر گونه امتیاز دیگر و تغییر آن به نام دانشگاه اقدام نماید. ضمناً نسبت به جبران فوری ضرر و زیان حاصله بر اساس برآورد دانشگاه اقدام خواهم نمود و بدینوسیله حق هر گونه اعتراض را از خود سلب نمودم»

امضا: 

تاریخ:

آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیتهای علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده ۱: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را چاپ کند:

«کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد/ رساله دکتری نگارنده در رشته..... است که در سال..... در دانشکده..... دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی سرکار خانم/جناب آقای دکتر..... مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر..... و مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر..... از آن دفاع شده است.»


ماده ۳: به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴: در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده ۵: دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تامین نماید.

ماده ۶: اینجانب مجید آزادبخت دانشجوی رشته هنر اسلامی (نگارگری) مقطع کارشناسی ارشد تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

نام و نام خانوادگی: مجید آزادبخت

تاریخ و امضا: 



دانشگاه تربیت مدرس
دانشکده هنر و معماری

پایان نامه کارشناسی ارشد هنر اسلامی

گرایش: نگارگری

بررسی شاخصه های تصویرسازی و نمادگونه ی اشعار بیدل دهلوی

موضوع عملی: خلق اثر نگارگری با تکیه بر مضامین عارفانه به کار رفته در دیوان
اشعار بیدل دهلوی

مجید آزادبخت

استاد راهنما (نظری):

ایرج داداشی

استاد راهنما (عملی):

پرویز اسکندرپور خرمی

اردیبهشت ۱۳۹۰

تقدیم به:

پدر و مادر فداکار و بزرگوارم

و همه ی دانشجویانی که در پیشبرد دانش و هنر گام بر می دارند.

تشکر و قدردانی

بعد از حمد و سپاس بی نهایت از خداوند به دلیل الطاف بی شائبه اش در یاری رساندن در مشکلات و هموار کردن مسیر رسیدن به اهدافم، از کلیه عزیزانی که مرا را در طول دوران تحصیل یاری نموده و لطف و مرحمت بی نهایتشان را از بنده دریغ ننموده اند، سپاس و قدردانی ویژه دارم؛ عزیزانی که بدون شک راهنمایی های ارزنده شان عامل اصلی موفقیتیم بوده است.

با تشکر فراوان از اساتید بزرگوار، جناب آقای ایرج داداشی که راهنمایی بخش تئوری این پژوهش را به عهده داشتند، و جناب آقای پرویز اسکندرپور خرمی به خاطر راهنمایی های بسیار ارزنده شان در انجام پروژه عملی، که بی شک اگر کمک ها و حمایت های آن دو بزرگوار نبود انجام این پایان نامه غیر ممکن بود.

همچنین از پدر و مادر مهربانم که دعای خیرشان را همواره بدرقه ی راهم کرده اند بسیار سپاسگزارم.

چکیده:

ایران عصر صفوی ارتباط تنگاتنگی با ممالک خاور نزدیک، خصوصاً هند داشته و تأثیری ژرف بر فرهنگ آن سرزمین برجای گذاشته است که این تأثیر در قلمرو ادبیات بیش از سایر حوزه‌ها است، تا جاییکه ادبیات فارسی اساس فرهنگ هنری مغولان هند گردید و سبک هندی به منصفه‌ی ظهور رسید که به باور اندیشمندان، بیدل چکاد این سبک به شمار می‌رود.

شعر بیدل، عصاره‌ی شرع و نماد شعر صوفیانه است و چون زبان این نوع شعر از گزاره‌های رایج روزمره است، ابوالمعانی زبان رمز برگزیده و دیوان شعر او مشحون از استعارات رمزگونه و بارقه‌های فلسفی است. بنابراین شعر عرفانی او، صبغه‌ی رمزی دارد و سرشار از عناصر نمادین است. بیدل اندیشمندی است که با سیر درآفاق و انفس و تأمل در همه‌ی پدیده‌های هستی، به ویژه سرشت و سرنوشت انسان، فهم و فراست بسیاری برای راهنمایی دارد. بیدل با دقتی بسیار در اشعار خود، انسان‌ها، حیوانات، گیاهان و سایر عناصر طبیعت را به صورتی نمادین تصویرسازی نموده است. به عبارت دیگر، او با این عناصر نمادین و کلام فلسفی رمز هستی در این دنیای پرکوه و کتل آینه‌داری می‌کند و انسان را به عالم اطلاق سوق می‌دهد.

واژه‌های کلیدی:

بیدل، رمز، عرفان، وحدت وجود، نقشمایه‌های تصویری

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
أ	فهرست مطالب.....
۱	مقدمه و کلیات تحقیق.....
۵	فصل اول - عصر صفوی و پیدایش سبک هندی.....
۶	۱-۱- ذوق و اندیشه جامعه ادبی عصر صفوی.....
۸	۲-۱- سبک هندی.....
۹	۳-۱- جامعه‌ی ادبی عصر سبک هندی.....
۱۳	فصل دوم: جهان‌بینی بیدل و آثار او.....
۱۶	۱-۲- نگاهی به زندگی بیدل.....
۲۰	۲-۲- آثار بیدل.....
۲۰	۲-۲-۱- آثار منظوم.....
۲۰	۲-۲-۱-۱- غزلیات.....
۲۱	۲-۲-۱-۲- قصاید.....
۲۲	۲-۲-۱-۳- رباعیات.....
۲۳	۲-۲-۱-۴- مثنوی.....
۲۷	۲-۲-۲- آثار منثور.....
۲۷	۲-۲-۲-۱- چهار عنصر.....
۲۸	۲-۲-۲-۲- رقعات.....
۲۹	۲-۲-۲-۳- نکات.....
۲۹	۳-۲- جهان‌بینی بیدل.....
۳۲	۳-۲-۱- دنیا و عقبا.....
۳۲	۳-۲-۲- سیمای انسان.....
۳۳	۳-۲-۳- جبر و اختیار.....
۳۳	۳-۲-۴- ریاستیزی.....
۳۴	۳-۲-۵- زن و مرد.....
۳۴	۳-۲-۶- تواضع و وارستگی.....
۳۴	۴-۲- ویژگی‌های شعر بیدل.....

- ۳۴.....۱-۴-۲- پیچیدگی و معماگونه بودن.....
- ۳۵.....۲-۴-۲- ترکیب‌سازی.....
- ۳۶.....۳-۴-۲- مضمون‌سازی.....
- ۳۷.....۴-۴-۲- انتخاب اوزان مناسب.....
- ۳۷.....۵-۴-۲- صورخیال.....
- ۳۸.....۶-۴-۲- نمادسازی.....
- ۳۸.....۵-۲- سبک‌شناسی شعر بیدل.....
- ۴۰.....۱-۵-۲- تصویرهای پارادوکسی.....
- ۴۱.....۲-۵-۲- حس‌آمیزی.....
- ۴۲.....۳-۵-۲- وابسته‌های خاص عددی.....
- ۴۲.....۴-۵-۲- تشخیص.....
- ۴۴.....۵-۵-۲- ترکیبات خاص.....
- ۴۵.....۶-۵-۲- اسلوب معادله.....
- ۴۵.....۷-۵-۲- شبکه‌های جدید تداعی نقش‌مایه‌ها.....
- ۴۶.....۸-۵-۲- تجرید.....
- ۴۷.....۹-۵-۲- حسن تعلیل.....
- ۴۸.....۱۰-۵-۲- ایهام.....
- ۵۰..... فصل سوم: تصویرسازی‌های نمادگونه در شعر بیدل.....
- ۵۳.....۱-۳- تفکیک رمز از صور خیال.....
- ۵۳.....۲-۳- چرا بیدل از نماد استفاده نموده است؟.....
- ۵۵.....۳-۳- پیوند شعر و نقاشی و نقش‌مایه‌های تصویری.....
- ۵۵.....۱-۳-۳- نماد پردازی پرواز (پرنندگان).....
- ۵۶.....۱-۱-۳-۳- طوطی.....
- ۵۷.....۲-۱-۳-۳- هما.....
- ۵۸.....۳-۱-۳-۳- عنقا.....
- ۵۸.....۴-۱-۳-۳- طاووس.....
- ۶۰.....۵-۱-۳-۳- شهباز (باز سفید).....
- ۶۰.....۶-۱-۳-۳- زاغ.....

- ۶۱.....جغد-۷-۱-۳-۳
- ۶۱.....عناصر بسیط-۲-۳-۳
- ۶۱.....آب-۱-۲-۳-۳
- ۶۲.....خاک-۲-۲-۳-۳
- ۶۳.....آتش-۳-۲-۳-۳
- ۶۳.....عناصر طبیعی-۳-۳-۳
- ۶۴.....کوه-۱-۳-۳-۳
- ۶۵.....غبار-۲-۳-۳-۳
- ۶۵.....محیط-۳-۳-۳-۳
- ۶۶.....موج-۴-۳-۳-۳
- ۶۷.....موج گوهر-۵-۳-۳-۳
- ۶۷.....موج و سراب-۶-۳-۳-۳
- ۶۷.....ساحل-۷-۳-۳-۳
- ۶۸.....گرداب-۸-۳-۳-۳
- ۶۸.....سحر-۹-۳-۳-۳
- ۶۹.....خنده فیض سحر-۱۰-۳-۳-۳
- ۶۹.....نفس صبح-۱۱-۳-۳-۳
- ۶۹.....شب‌نم-۱۲-۳-۳-۳
- ۷۰.....حباب-۱۳-۳-۳-۳
- ۷۱.....صحرا-۱۴-۳-۳-۳
- ۷۲.....سرمه-۱۵-۳-۳-۳
- ۷۲.....ریگ روان-۱۶-۳-۳-۳
- ۷۳.....خورشید-۱۷-۳-۳-۳
- ۷۳.....ماه-۱۸-۳-۳-۳
- ۷۴.....هاله-۱۹-۳-۳-۳
- ۷۴.....حیوانات-۴-۳-۳
- ۷۴.....آهو-۱-۴-۳-۳
- ۷۴.....عقرب-۲-۴-۳-۳

- ۷۵.....۳-۴-۳-۳ خفاش
- ۷۵.....۴-۴-۳-۳ مار
- ۷۵.....۵-۳-۳-۳ اشیاء نمادین
- ۷۶.....۱-۵-۳-۳ گنج
- ۷۶.....۲-۵-۳-۳ گهر
- ۷۸.....۳-۵-۳-۳ یاقوت
- ۷۸.....۴-۵-۳-۳ نردبان
- ۷۹.....۵-۵-۳-۳ شمع
- ۸۰.....۶-۵-۳-۳ بوریا
- ۸۱.....۷-۵-۳-۳ آینه
- ۸۱.....۸-۵-۳-۳ خانه آینه
- ۸۱.....۹-۵-۳-۳ ساغر
- ۸۲.....۱۰-۵-۳-۳ خواب مخمل
- ۸۳.....۱۱-۵-۳-۳ نگین و فام
- ۸۳.....۱۲-۵-۳-۳ شیشه
- ۸۴.....۱۳-۵-۳-۳ چراغ
- ۸۴.....۱۴-۵-۳-۳ ناقوس
- ۸۴.....۱۶-۵-۳-۳ عقیق
- ۸۵.....۶-۳-۳-۳ رستنی‌ها
- ۸۵.....۱-۶-۳-۳ نرگس
- ۸۵.....۲-۶-۳-۳ سپند
- ۸۶.....۳-۶-۳-۳ گندم
- ۸۶.....۴-۶-۳-۳ سایه‌های بید
- ۸۶.....۵-۶-۳-۳ انگور
- ۸۷.....۶-۶-۳-۳ عدس
- ۸۷.....۷-۶-۳-۳ نخل
- ۸۸.....۸-۶-۳-۳ قند
- ۸۸.....۷-۳-۳-۳ عناصر انسانی

۸۸ چشم - ۱-۷-۳-۳
۸۹ ابرو - ۲-۷-۳-۳
۸۹ اشک - ۳-۷-۳-۳
۸۹ آه - ۴-۷-۳-۳
۹۰ دیگر عناصر - ۸-۳-۳
۹۰ آبله - ۱-۸-۳-۳
۹۰ پری - ۲-۸-۳-۳
۹۰ خط - ۳-۸-۳-۳
۹۱ رنگ - ۴-۸-۳-۳
۹۲ برق - ۵-۸-۳-۳
۹۳ گل کاغذ - ۶-۸-۳-۳
۹۳ گل های قالی - ۷-۸-۳-۳
۹۳ کاغذ آتش زده - ۸-۸-۳-۳
۹۴ چاه - ۹-۸-۳-۳
۹۴ پل - ۱۰-۸-۳-۳
۹۶ نتیجه گیری
۹۸ فهرست منابع
۱۰۱ شرح و تصویر کار عملی
۱۰۳ چکیده انگلیسی

مقدمه:

یکی از مهمترین ارکان بالندگی هر ملت، زبان اوست. زبان فارسی و ادبیات عرفانی یکی از عوامل فخر و مباهات ما در میان ملل دیگر است و شیفتگی برخی از متفکران و دانشمندان غربی نسبت به آثار شاعران و عارفان ایرانی گواهی بر این مدعاست. امتزاج رمز و ادب و عرفان از شورانگیزترین فصول در تاریخ ادبیات فارسی است.

شعر^۱ فارسی مملو از موسیقی درونه‌ای و برونه‌ای است که تواتر موسیقی درونه‌ای آن در سبک هندی و عصر بیدل طنینی آهنگین دارد، سرپای کلمات او مانند یک سمفونی است که قصه‌ی جدا شدن نی وجود از نیستان اطلاق و آوردن آن به بزم تعیین را به نغمه‌ی شاعرانه و درس فلسفی می‌سراید و دنیای تعیین را نشئه‌ی رستاخیز ناب کلمات خود می‌کند. تجلیگاه بیدل سرشار از جلوه‌های فلسفی و کلامی است او شاعری صوفی و وحدت وجودی است. بنابراین غزل صوفیانه‌ی او غزل رمزآمیز است و رنگین کمان باور نظام‌مندش را با هیولا و صور مثل می‌آراید. این شاعر صوفی با استفاده از رمز و تصاویر رمزی آیینه‌داری اشرف مخلوقات را به تصویر می‌کشد. آیینه‌ای که عکسی از دنیای فانی تعیین و تصویری پایدار از عالم اطلاق را بر جریده‌ی هستی ثبت می‌کند. غزل صوفیانه هر چند غامض و مختصر باشد، بیشتر صبغه‌ی رمزی دارد و رمز، روح عشق و تصوف است. با وجود عناصر نمادین و رمزگونه‌ی بسیار در شعر بیدل، کلیدهای راهنمایی را سر راه قرار داده است تا قلعه‌های پر از کوه و کُتل معانی‌اش را تا حدی آیینه‌داری کند، بیدل می‌گوید:

صد بست و گشاد با هم آمیخته‌اند
تا رنگ بنای این جهان ریخته‌اند
دل‌تنگ مباشید که مانند هلال
پیش هر در کلیدی آویخته‌اند

میرزا حسین واعظ کاشفی (ف ۹۱۰ ه.ق) در تعریف شعر آورده است: «شعر در اصل لغت، دانش است و دریافتن معانی به فکر صائب و ذهن^۱ ثاقب و به اصطلاح، کلامی مرتب معنوی موزن، متکرر متساوی متشابه الاخر، و این تعریف قدماست، اما آنچه جمهور متأخران برآنند، آن است که شعر کلامی باشد مخیل مقفی مع القصد» [فتوحی، ۱۳۸۵: ۷۸]

تعریف اهل منطق از شعر با جمهور شعرای فارسی زبان فرق دارد، شیخ‌الرئیس در کتاب شفا بدین گونه شعر را تعریف کرده است: «شعر سخنی است مخیل که از کلمات موزون و متساوی تألیف شده و در نزد شعرای عرب و فارسی زبانان دارای قافیه است» ولی ابن سینا خصوصیت دیگری نیز به کلام و مخیل اضافه می‌کند و آن موزون بودن و با قافیه بودن آن است. [پور جوادی، ۱۳۷۴: ۱۷] خواجه نصیر توسی نیز در اساس الاقتباس نوشته است: «شعر در عرف منطقی کلام مخیل است و در عرف متأخران کلام موزون و مقفی» [فتوحی، ۱۳۸۵: ۷۸] چنانچه می‌بینیم تنها اختلافی که میان تعاریف فوق وجود دارد، بر سر مخیل بودن یا نبودن شعر است، ادیبان قدیم با همه‌ی توجهی که به اهمیت صورخیال در شعر داشته‌اند در باره‌ی سهم خیال در ساختمان شعر کمتر سخن گفته‌اند، علت این سکوت را بیشتر باید در طرز تفکر آنها نسبت به شعر و مفهوم آن جستجو کرد و از آنجا که بیشتر به «ظاهر» و «شکل شعر» نظر داشته‌اند و جوهر شعری کمتر مورد توجه ایشان بوده است، از اهمیت خیال در ساختمان شعر کمتر سخن گفته‌اند ولی آنهایی که دید منطقی و فلسفی نسبت به مفاهیم داشته‌اند عنصر خیال را جوهر اصلی شعر شمرده‌اند [شفیعی کدکنی، ۱۳۸۷: ۷]

شعر بیدل آیینه‌ای ایجاد می‌کند که هر کس بتواند تصویری به توانایی فراستش تماشا کند، شعر او در پرورشگاه چندمعنایی و هیچ‌معنایی است، زمینه‌ای را فراهم می‌کند تا فهم‌های روشن بتواند از متن تأویل‌های چندجانبه را ارائه نمایند:

(بیدل) سخت نیست جز انشای تحیر
کو آیینه تا صفحه‌ی دیوان تو باشد

کلیات تحقیق:

برای گردآوری این مجموعه سه فصل در نظر گرفته شده است:

فصل اول: عصر صفوی و پیدایش سبک هندی

فصل دوم: جهان بینی بیدل و آثار او

فصل سوم: تصویرسازی‌های نمادگونه در شعر بیدل

هندسه‌ی این تحقیق با اضلاعی به شرح ذیل قابل ترسیم و تصویر است:

تعریف مسأله و بیان سؤال اصلی تحقیق:

به باور اندیشمندان اندیشه‌ورز بیدل چکاد سبک هندی است، عصاره‌ی شعر و شرع و نماد شعر صوفیانه و مشحون از بارقه‌های فلسفی و مملو از استعاره‌های رمزگونه با فضایی سورنالیستی است شاعر با اندیشه و تأمل شهودی خویش رمز هستی و آفرینش انسان را با غلغله‌ی صور کلمات به تصویر کشیده است. سؤال اصلی که در روند این تحقیق باید بدان پاسخ داده شود عبارت است از:

چرا بیدل در شعر صوفیانه‌ی خود از عناصر تصویرسازی نمادگونه استفاده کرده است؟

پُر واضح است که سؤالی چنین گسترده پرسش‌های فرعی و جانبی بسیاری را فراروی ما می‌گستراند که اهم آنها عبارتند از:

۱- چرا ادبیات عرفانی مملو از عناصر رمزگونه است؟

۲- بیدل از چه منظری (عرفانی، فلسفی، کلامی) به رمزپردازی پرداخته است؟

۳- پربسامدترین عناصر تصویری رمزگونه در شعر بیدل کدامند؟

۴- فهم عناصر رمزگونه‌ی شعر بیدل چه تأثیر سازنده و مثبتی در شناخت انسان نسبت به هستی دارد؟

فرضیه‌های تحقیق:

۱- غزل صوفیانه صبغه‌ی رمزی دارد و جنبه‌ی نمادین و تصویرگونه در اشعار بیدل بیش از جنبه‌های مضمونی و ادبی مورد توجه بوده است.

۲- رمزپردازی بیدل عرفانی و فلسفه محور است و از منظر مادی و معنوی به آن پرداخته است.

سابقه و ضرورت انجام تحقیق:

با کمال تأسف تا همین اواخر "بیدل" برای فرهیختگان صاحب‌دل ایرانی جزیره‌ی ناشناخته‌ای بوده است تا آنجا که به تعبیر دکتر شفیع کدکنی: «اکثریت دارندگان درجه‌ی دکتری ادبیات فارسی او را نمی‌شناسند در حالیکه در حوزه‌های فرهنگ مشترک، بویژه افغانستان چنان دل به بیدل داده‌اند که برای عوام و خواص ورد شبانه و درس سحرگاه است. مسلم است که ضرورت انجام چنین تحقیقی از هر منظری، مضاعف است. نخستین کشوری که در آن به گونه‌ای جدی کارهای این شاعر مورد توجه قرار گرفته است روسیه است، در میان مورخان ادبیات شوروی سابق، تاجیک‌ها به گونه‌ای آشکار در صدر مطالعه‌کنندگان و محققان آثار بیدل قرار دارند. در زمینه‌ی بیدل و بیدل‌شناسی کتبی که به زبان فارسی موجود است عبارتند از:

- ۱- شاعر آینه‌ها، اثر شفیع کدکنی، در مورد بررسی سبک هندی و اشعار بیدل
- ۲- نقد بیدل، اثر صلاح‌الدین سلجوقی، در مورد شرح اشعار بیدل
- ۳- بیدل‌شناسی، اثر دکتر محمدعارف پژمان، در مورد آراء مختلف در ارتباط با بیدل
- ۴- خوشه‌هایی از جهان‌بینی بیدل، اثر عبدالغفور آرزو، در این کتاب جهان‌بینی بیدل تفسیر شده است.

۵- بوطیق‌ای بیدل، اثر عبدالغفور آرزو

۶- انسان کامل از دیدگاه، بیدل و حافظ، اثر عبدالغفور آرزو (پایان‌نامه‌ی دکتری ایشان)

۷- بیدل، سپهری و سبک هندی، اثر حسن حسینی

۸- آوازهای بیدل، تصحیح اکبر بهاروند، این کتاب رقعات، نکات، اشارات و چهار عنصر بیدل است

۹- یوسفعلی میرشکاک نیز تحشیه‌ای بر مثنوی محیط اعظم بیدل نوشته است.

با وجودی که بیدل دل‌داده‌ی عالم رمز و شناخت رموز طبیعت و هستی است متأسفانه تراوش قلم فرهیختگان بیشتر معطوف به معرفی و احوال بیدل است و آثار پژوهشی اندکی در این زمینه خلق شده است و در حقیقت تاکنون اثری در زمینه‌ی عناصر نمادین و رمزگونه‌ی شعر بیدل سر بر نیآورده است و این تحقیق، نوپاست. پر واضح است که با استمرار این پژوهش‌ها اندکی از غبار گمنامی بیدل از آینه ادب و عرفان فارسی زدوده خواهد شد. در این تحقیق به اقتضای مقام، دامن و دامنه‌ی سخن از چگونه‌اندیشی به رمزاندیشی کشیده خواهد شد:

گوش پیداکن که بیدل از کتاب خامشان
معنی کز هیچ‌کس نتوان شنود آورده است

اهداف این تحقیق:

مهمترین محورهای این پژوهش عبارتند از:

- ۱- بررسی شاخصه‌های تصویرسازی و نمادگونه در دیوان اشعار بیدل

۲- بررسی نقش عرفان و تصوف در تصاویر رمزگونه‌ی اشعار بیدل

۳- بررسی پربسامدترین عناصر تصویری رمزگونه در اشعار بیدل

۴- بررسی شاخصه‌های مهم شعر بیدل و خوشه‌های تصویری آن

مواد و روش تحقیق:

این پژوهش به روش تاریخی، تحلیلی، توصیفی انجام شده و شیوه‌ی گردآوری مطالب کتابخانه‌ای است.

فصل اول:

عصر صفوی و پیدایش سبک هندی

تقریباً صدسال پس از مرگ تیمور، در حالی که داخل کشور گرفتار هرج و مرج و تفرقه ناشی از فقدان حکومت مقتدر مرکزی شده بود و از جانب نیروهای مهاجم خارجی (امپراتوری عثمانی در غرب و مهاجمان ازبک در شرق) تهدید می‌شد، ناگهان حکومتی پدید آمد که توانست پس از نهمصد سال از سقوط امپراتوری ساسانی، باردیگر عظمت و اقتدار را به سرزمین ایران بازگرداند. [محمدپناه، ۱۳۸۸: ۱۱۳]

در حقیقت سده‌های شانزدهم و هفدهم/دهم و یازدهم پایگاهی خاص در تاریخ ایران دارد. یکی از نظریات و تئوری‌های کهن مبتنی بر این بود که سلسله صفوی در احیای آگاهانه ملی‌گرایی ایران، پس از اینکه این سرزمین در طول قرون متمادی تحت سیطره سلسله‌های بیگانه بود، نقش و سهم قاطعی داشت.

به طور کلی در این زمان فرهنگ هنری ایران که در سده شانزدهم/دهم شروع شده بود، وارد دوره جدیدی از شکوه و عظمت گردید، گو اینکه این عظمت و شکوه زودگذر بود و از حیث ماهیت حتی نسبت به ادوار سابق، اشرافی‌تر می‌نمود. ایران دوره صفوی در ارتباط نزدیک با سایر ممالک خاور نزدیک و نیز اروپا بود. رقابت سیاسی با عثمانیان از جاذبه فرهنگ ایران در نظر ترکان نکاست، بلکه این پدیده در قلمرو ادبیات بیشتر از حوزه هنرها انعکاس یافت. «سبک ایرانی» در شرق، عنصر اساسی فرهنگ هنری مغولان هند گردید؛ و مغولان هند حتی در چارچوب این سبک، گرم‌تر و مشتاق‌تر از ایرانیان به تجربه پرداختند. یک چنین گرایشی در ادبیات نیز پدید آمد. [اسکارچیا، ۱۳۸۴: ۴]

۱-۱- ذوق و اندیشه‌ی جامعه‌ی ادبی عصر صفوی

آشنایی با افق اندیشه و ذوق ادبی هر عصر شرط اول و اساسی در شناخت ادبیات آن عصر است. هر عصری لحن ویژه‌ای دارد، این لحن پژواک اندیشه و ذوق و نوع آگاهی حاکم بر آن عصر است. می‌توانیم از طریق تبیین لحن عصر و ذوق و اندیشه و نوع آگاهی فارسی‌زبانان و فارسی‌گویان سده‌های دهم تا دوازدهم به شناختی بهتر و روشن‌تر از ادبیات و فرهنگ عصر صفوی و به ویژه سبک هندی و امپراتوری گورکانیان هند دست یابیم. [فتوحی، ۱۳۸۵: ۲۵]

شعر معروف به سبک هندی، خصوصاً عزل به آن سبک، زبان حال طبقات شهر نشین است و در حد ممکن شعری مردمی است که الهامات و عصیانها و طغیانها و اندیشه‌ها و تأثیرات و تصورات و زیر و زبرهای زندگی روزمره در آن منعکس شده است. طبیعی است که نباید انتظار داشت این انعکاس همواره ساده باشد، گاه کاژ و کوژ است. اما برای کسی که با این شعر مأنوس شود کاملاً مفهوم است.